

گزارش سیاسی اول مه ۲۰۲۵؛ صحنه‌ی تقابل کار و سرمایه در ترکیه^۱

نویسنده: اوزو توپراک
تخلیص و ترجمه: مجید حمه‌رش

اول ماه مه یک روز عادی نیست. روز اتحاد، همبستگی و مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر جهانی‌ست. در بسیاری از کشورها، حتی اگر به‌عنوان جایگزینی برای تعطیلات مذهبی یا ملی شناخته نشود، ورودِ اول ماه مه به تقویم‌ها به‌عنوان یک روز تعطیل، سهم زیادی از مداخله‌ی طبقه‌ی کارگر دارد. این که در بیش از صد کشور، این روز به‌عنوان تعطیل مشترک شناخته می‌شود، خود معنای دیگری دارد. به همین دلیل، تعطیلیِ اول ماه مه حاملِ معانی دیگری‌ست. این فقط یک روز تعطیل نیست، بلکه روزی‌ست که طبقه‌ی کارگر در سراسر جهان، روحی مشترک را احساس می‌کند. این

^۱ <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/822409>

خود در برابرِ یورشِ بی‌مرزِ سرمایه‌داری و خشونتش، ایستادگی‌ای انسانی و وجدانی‌ست.

وحشی‌گریِ موجود در ذاتِ روابطِ تولیدِ سرمایه‌داری، فراتر از رفتارِ فردی سرمایه‌داران است. اول ماه مه هم‌چنین نشان‌گرِ بهایی‌ست که طبقه‌ی کارگر در برابر این وحشی‌گری پرداخته است. در این معنا، سرمایه‌داری از دیگر شیوه‌های تولید متمایز است. در سرمایه‌داری، تولیدِ سرمایه‌دارانه با خریدِ نیروی کار و وابسته کردنِ کارگر به سرمایه‌دار آغاز می‌شود. سرمایه‌دار از آن لحظه در «رابطه‌ای اجبارآمیز» سلطه‌ی خود را اعمال می‌کند.

نخستین راه برای افزایشِ ارزشِ افزوده، تلاش برای کش دادنِ نامحدودِ روزِ کاری و مکیدنِ بیش‌ترین مقدارِ کارِ اضافیِ ممکن است. مارکس می‌گوید سرمایه «کارِ مرده» است و چون خون‌آشام، با مکیدنِ کارِ زنده زندگی می‌کند؛ هرچه بیش‌تر بمکد، بیش‌تر زنده می‌ماند. سرمایه، مانند گرگی گرسنه، به دنبالِ کارِ اضافی است و تشنه‌ی خونِ تازه‌ی کار تلاش می‌کند هر دقیقه از روز را به زمانِ کار تبدیل کند و آن را وقفِ افزایشِ ارزشِ خود سازد.

اما موانعِ روشنی وجود دارد؛ روز فقط ۲۴ ساعت است و نمی‌توان از آن فراتر رفت. کارگر برای استراحت، تغذیه، نظافت، پوشاک، بازسازیِ جسم و روح، و حتی نیازهای اجتماعی و فکری به زمان نیاز دارد. سرمایه اما با عطشی کور و بی‌پایان، حتی مرزهای جسمی و معنویِ روزِ کار را هم درمی‌نوردد. با این کار، نه فقط زندگی انسانی را تضعیف می‌کند بلکه آن را به فرسودگیِ زودرس و مرگ می‌کشد. تا زمانی که جامعه او را مجبور نکند، سرمایه به سلامت و عمرِ کارگر نمی‌اندیشد.

در قرن نوزدهم، جامعه سرمایه را وادار کرد تا راه دیگری برای رشد بیابد. مارکس از مقاومت کارگران برای حفظ روز کاری «عادی» و از قانونی شدن روز کار ده‌ساعته، که مانع از فروش خود و خانواده‌شان به بهای بردگی و مرگ می‌شد، سخن می‌گفت.

این مبارزات همچنان ادامه دارد. حق روز کاری هشت ساعته، که کارگران به‌سختی به دست آوردند، مانعی اجتماعی در برابر سرمایه باقی مانده است. اما امروزه سرمایه تلاش می‌کند آن را دور بزند. قوانین جدید کار در ترکیه و بسیاری کشورها و تغییر در مقررات ایمنی شغلی و سلامت کارگر، همگی در همین راستا هستند.

این همان چیزی است که اول مه نماد آن است؛ یعنی نتیجه‌ی سال‌ها مبارزه علیه بهره‌کشی و روزی که کار در برابر سرمایه ایستاد. روزی بین‌المللی که هنوز هم سرمایه را به لرزه می‌اندازد. حاکمان، از ترکیه تا جهان، از آن در هراس‌اند.

ایده‌ی استفاده از این روز برای مطالبه‌ی روز کاری هشت‌ساعته، ابتدا در استرالیا شکل گرفت. در سال ۱۸۵۶، کارگران استرالیایی تصمیم گرفتند یک روز دست از کار کشیده و گردهم‌آیی و جشن برگزار کنند، تاثیر بزرگی بر آنها گذاشت و تصمیم گرفتند هر سال تکرارش کنند.

سپس‌تر، آمریکایی‌ها آن را در سال ۱۸۸۶ ادامه دادند. فدراسیون کار آمریکا روز کاری هشت‌ساعته را مطالبه کرد. هزاران کارگر از نژادها، جنسیت‌ها و پیشینه‌های مختلف در این مبارزه شرکت کردند. در اول ماه مه، ۲۰۰ هزار نفر اعتصاب کردند. در نتیجه‌ی سرکوب پلیس ۱۰ نفر کشته شدند، ۸ رهبر دستگیر و ۴ تن اعدام شدند.

آلبرت پارسون در آستانه‌ی اعدام گفت: «بی‌گناهم... برای دفاع از حقوق کارگران و سوسیالیسم مرا می‌کشند.» اسپایز گفت: «با اعدام ما شاید جرقه‌ای را خاموش کنید، اما آتشی پنهان در همه‌جا شعله‌ور خواهد شد.»

و چنین شد که در سال ۱۸۹۰ این روز جهانی گردید و تا کنون در همه‌جای جهان جشن گرفته شده و می‌شود.

در ترکیه، اول ماه مه نخستین بار در سال ۱۹۰۶، سپس در ۱۹۱۲ در استانبول، و بعدها تا ۱۹۲۳ در شهرهای مختلف برگزار شد. در سال ۱۹۲۳، در کنگره‌ی اقتصادی ازمیر، به‌عنوان روز کارگران ترکیه به رسمیت شناخته شد؛ اما دولت از سال ۱۹۲۴ آن را ممنوع کرد. با این حال، کارگران باز هم آن را جشن گرفتند.

در سال ۱۹۳۵، به‌عنوان جشن بهار در تقویم آمد. در دهه‌ی ۶۰، جنبش کارگری قدرت گرفت. در سال ۱۹۷۵، در یک سالن عروسی در تپ‌باشی جشن گرفتند؛ ۱۹۷۶ راهپیمایی بزرگ در تقسیم برگزار شد، و در سال ۱۹۷۷، با تحریک عمدی، ۳۶ کارگر کشته شدند. این کشتار مانع از برگزاری آن در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ نشد. پس از کودتای ۱۲ سپتامبر، مراسم ممنوع شد؛ ولی شعله‌هایش خاموش نگردید.

در سال ۲۰۰۷ و ضمن برگزاری سی‌امین سالگرد ۱۹۷۷، مراسم دوباره با خشونت مواجه شد. پلیس با گاز و باتوم حمله کرد؛ این در حالی بود که در تناقضی آشکار، دو روز پیش از آن تجمعی دیگر بدون دخالت پلیس برگزار شده بود.

ترسِ واقعیِ حاکمان، خشمِ کارگرانی است که می‌بینند موانع اجتماعیِ سابق دیگر وجود ندارد. قانونِ کارِ جدید، خصوصی‌سازی، مرگ‌های کاری، سرکوبِ رسانه‌ای و حذفِ نظارت، همگی علیهِ کارگران است.

رزا لوکزامبورگ یک قرن پیش گفت: «برخلاف روندِ پارلمانیِ کند و پراکنده، اول مه نمادِ اقدامِ مستقیمِ توده‌های پرولتر است.»

اکنون وظیفه‌ی ماست که در برابرِ سرمایه‌ای که می‌خواهد همه‌چیز را نابود کند، بایستیم؛ بر دستاوردهایِ طبقه‌ی کارگرِ پافشاری کنیم؛ برابری و آزادی را مطالبه نماییم و اجازه ندهیم مشعلِ اول مه خاموش شود.

روزنامه

منتشر شده در صفحه ۸ از شماره ۲/۴ **روزنامه**
دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۸ آوریل ۲۰۲۵

سایت:

www.Ruzname.org

ایمیل:

RUZNAME2@gmail.com

اینستاگرام:

https://www.instagram.com/ruzname_2

تلگرام:

https://t.me/RUZNAME_2

یوتیوب:

<http://www.youtube.com/@Ruzname-2>

کلاب هاوس:

<https://www.clubhouse.com/house/روزنامه>